

خبر

بزگداشت صدمین سال مشروطیت در استان گلستان

ایران سرزمین بزرگی است با تاریخ کهن که پیشینه آن به عصر اساطیر می رسد . در تاریخ پرغور و نشیب این دیار کهن ، دوران معاصر دارای اهمیت ویژه و منحصر به فردی بوده آنتچنان که می تواند منبعی سرشار جهت کسب تجربه برای نسل جوان باشد . آشنایی ایرانیان با تمدن مغرب‌زمین باعث شد تا نخستین گام برای ورود به عصر جدید آغاز شود . اصلاح طلبان ایرانی همچون عباس میرزا ، قائم مقام فراهانی ، میرزا تقی خان امیرکبیر و . . . اولین تلاش ها را در سازندگی ایران انجام دادند ، بسیاری از آنان اگرچه جان خود را در این راه گذاشتند ولی بستر را برای توسعه و پیشرفت ایران فراهم کردند . اوج تلاش ایرانیان برای رهایی از استبداد و استعمار جنبش مشروطیت بود . در این حرکت عظیم روشنفکران ، روحانیون ، بازرگانان و . . . مجاهدت عظیم کردند تا کشور خود را نجات دهند که تبلور آن در صدور فرمان تاریخی مشروطه و تاسیس نظام مشروطیت دیده می شود .

در این جنبش عظیم ، ایرانیان شعار تحقق قانون را سر داده و از حقوق ملت گفتند . دستاورد بزرگ انقلاب مشروطه تشکیل اولین مجلس ، تدوین نخستین قانون اساسی ، محدود کردن اختیارات مطلقه شاه ، پذیرش تفکیک قوا و . . . بود . جنبش مشروطه حرکت عظیمی بود که در ابتدای قرن بیستم در ایران تحقق یافت و کشور ما را وارد عصر جدیدی کرد؛ عصری که همچنان ادامه دارد . کانون فعالیت مشروطه‌خواهان شهرهای بزرگی همچون تهران ، تبریز ، رشت و . . . بود که تاریخ ، فداکاری‌های زیادی از آنان در خاطر دارد .

شهر استرآباد یکی از کانون‌های مهم فعالیت مشروطه‌خواهان بود . مجاهدان مشروطه‌خواه همچون رحیم‌خان مقصودلو ، آقا رمضان‌تعلی معروف به وکیل‌التجار ، حاجی محمدرضا ، آقاعلی‌خان مقصودلو ، حبیب‌الله‌خان مقصودلو ، حیدرقلی‌خان مقصودلو ، حاج‌شیخ اسماعیل قاضی ، حاج‌محمد شمع (قدایی ملت) و . . . در بهیوی شیخ‌محمدحسین مقصودلو استرآبادی مجاهد بزرگ مشروطه‌خواه تلاش‌های بسیاری کردند تا پ به پای ملت ایران ، چراغ نهضت مشروطه در ایالت استرآباد را فروزان نگه دارند. آنها برای اولین بار انجمن ایالتی استرآباد را تشکیل دادند ، با مجاهدان رشت ، تبریز ، تهران ارتباط برقرار کرده و در جهت گسترش آگاهی مردم کوشیدند . مشروطه‌خواهان استرآباد به دخالت روس ها در استرآباد که فعال مایشاء بودند اعتراض کردند و خود پیشگام در تاسیس نهادهای جدید مدنی همچون مدرسه شدند .

مشروطه‌خواهان استرآباد مقابل پیشروی خائنانه محمدعلی میرزاای معزول در استرآباد جهت نابودی نهال مشروطه ایستادند و حاضر نشدند با مستبدین و ملاکین خائن به وطن همکاری کنند ، پاسخ آنان به محمدعلی شاه بعد از توپ بستن مجلس ، شجاعانه و قهرمانانه بود . محلات قدیمی شهر گرگان هم چون دربنو ، سرچشمه و مساجدی چون جامع و گلشن

خطرات فراوانی از آن مجاهدت‌های عظیم دارد . هم اکنون یکصد سال از جنبش مشروطه ایرانیان می گذرد . فرا رسیدن ۱۴ مرداد فرصت مناسبی است تا به مناسبت صدمین سال مشروطه‌خواهی نیاکان مان گردهم آییم و ضمن گرامیداشت یاد و نام و خاطره آنها به بررسی تاریخ مشروطه بردیزیم تا خرمنی از تجربیات نخستین اصلاح طلبان معاصر به‌چینیم .

می‌خواهیم با نگاهی به گذشته و بررسی یکی از عظیم‌ترین حرکت‌های اجتماعی جامعه، مسیر آینده خودمان را در دنیای مدرن امروز تهیه و تنظیم کنیم . به منظور بزرگداشت صدمین سال مشروطه ایران به خصوص مجاهدین مشروطه طلب ایالت استرآباد (استان گلستان) سبای با حضور و علاقه‌مندان به تاریخ و گروه‌های اجتماعی ، سیاسی و فرهنگی تشکیل و یاد و نام‌شان را گرامی داریم .

انتظار می رود همه صاحب‌نظران و علاقه‌مندان ما همراهی کرده و مقالات، نوشته‌ها، اسناد و مدارک خود را پیرامون این حرکت عظیم ، برای استفاده بهتر در همایش به ستاد ارسال فرمایند .

زمان و مکان و چگونگی برگزاری مراسم بزرگداشت

متعاقباً اعلام می شود .

دبیرخانه همایش گرامیداشت صدمین سال مشروطیت ایالت استرآباد (استان گلستان)

فراخوان

به منظور هرچه بهتر برگزاری مراسم یکصدمین سال انقلاب مشروطیت ایران و نکوداشت نام و یاد مشروطه‌خواهان ایالت استرآباد (گلستان) از تمامی صاحب‌نظران و پژوهشگران می‌خواهیم مقالات خود را در یکی از محوره‌های ذیل و یا مرتبط با آن تنظیم و به دبیرخانه همایش ارسال دارند .
۱- چه درس‌هایی می‌توان از نهضت مشروطه آموخت .
۲- مشروطه‌خواهان و نخستین گام‌ها برای پیشرفت ایران
۳- سهم استرآبادی‌ها در نهضت مشروطیت
۴- اوضاع ایالت استرآباد به هنگام مشروطه
۵- مشروطیت و ایالت استرآباد
۶- مستبدین ایالت استرآباد
۷- زندگی و شخصیت شیخ محمدحسین مقصودلو استرآبادی
۸- سرخکلاته و جنبش مشروطه
۹- مشروطه‌خواهی در رامیان ، فندرسک و سدن رستاق
۱۰- ترک‌مندان و انقلاب مشروطه
۱۱- محمدعلی میرزا و تلاش برای نابودی مشروطه در استرآباد
۱۲- بانفوذ در استرآباد
۱۳- روس‌ها و چگونگی برخورد با نهضت مشروطه در ایالت استرآباد
۱۴- انجمن ایالتی استرآباد
۱۵- سیدطاهر مجتهد و نقش وی در مخالفت با مشروطیت
۱۶- مشروطه‌خواهان استرآبادی مقیم تهران و . . .

آدرس : گرگان ، خیابان شالیکوبی ، عدالت ۸، پاساژ مصری ، دفتر خفیهان بهاسلم
تلفن : ۱۶۰۳ ۳۷۵ - ۰۹۱۱

ایران شادمان از نجات آذربایجان

این سال با اولیتپاتوم ترومن رئیس جمهور آمریکا به دولت شوروی آغاز شد . آمریکا به‌طور رسمی شوری را تهدید کرد چنانچه هر چه زودتر نیروهای خود را از خاک ایران بیرون نبرد ، داد که سه وزیر توده‌ای و چند وزیر از حزب ایران و تعدادی نیز از اعضای حزب تازه‌تاسیس دموکرات ایران در آن عضویت داشتند . دکتر مرتضی یزدی وزیر بهداری ، ایچ اسکندری وزیر پشه و هنر و بازرگانی و دکتر فریدون کشاورز وزیر فرهنگ، هر سه از بنیانگذاران حزب توده بودند که اکنون بر کرسی وزارت در سه وزارتخانه عیجرحاس و بی خطر ، تکیه زده بودند . همین ترفتد و چرخش مصلحت‌آمیز قوام‌السلطنه بود که استالین را فریب داد و طبیعی بود که مصلحت شوروی در این باشد که میان رئیس دولت ایران ، آن هم دولتی که سه وزیر توده‌ای عضو آن بودند و پشتیبانی از فرقه دموکرات آذربایجان ، راه اول را برگزیند . چون این دولت ایران بود که با وعده انعقاد قرارداد شرکت نفت ایران و شوروی – آن هم به شکل لایحه تقدیمی به مجلس پانزدهم اتحاد جماهیر شوروی را فریفته بود . فرقه دموکرات آذربایجان چه سودی برای شوروی داشت؟ و این همه درس بزرگی برای یگانگی و همبستگی ملی ما ایرانیان است . ما یابستی بی‌بریم و ایمان داشته باشیم که هیچ دولت و قدرت یگانه‌ای در جهان نیست که مصلحت ما را به مصالح و سود خود ترجیح دهد . طبیعی هم هست که این گونه نباشد . دولت انقلابی شوروی همین که لبخند قوام‌السلطنه و وعده‌های شیرین او را دید ، پشت فرقه دموکرات آذربایجان را که با آن همه شعارهای سوسیالیستی و امید و آرزوی پایان بخشیدن به فقر و محرومیت پدید آمده بود خالی کرد و آنها را در برابر نیروهای نظامی دولت مرکزی تنها گذاشت! قوام‌السلطنه،مقاوله‌نامه‌فتی با شوروی را به مجلس پانزدهم ارائه داد . اما نمایندگان مجلس که اعضای حزب دموکرات هم در میان آنها بودند این پیشنهاد را رد کردند . در این میان عشایر فارس نیز بر دولت مرکزی شوریدند و سراسر منطقه فارس را به تصرف خود درآوردند .

برای تصرف پادگان کازرون که به دست خوانین قشقایی ممسنی و بویراحمدی اتفاق افتاد، نبرد خونینی میان هر دو سو جریان یافت . برادران آشتیانی در تلگرافی به نخست‌وزیر خواستار آن شدند که: ۱- انجمن‌های ایالتی و ولایتی در فارس تشکیل شود ۲- خودمختاری به آنها داده شود ۳- امور کشور اصلاح و سه وزیر توده‌ای از دولت اخراج شوند! با نگاهی به خواسته‌های برادران قشقایی درخواستی یافت که جنگ قدرت در ایران نه برای ایرانیان و نه به سود ایرانیان بود، بلکه ایران عرصه آشکار جنگ قدرت و رقابت قدرت‌های بزرگ جهانی شده بود!

از این سو شوروی‌ها فشار می‌آوردند و با پشتیبانی از فرقه

مشروطه

صد روز تا صدمین سال انقلاب مشروطه ■ شماره ۴۱



خاک شوروی شدند! اکنون مردم درمانده آذربایجان در صحنه مانده بودند و آن سپاه شاهنشاهی! سران فرقه که گریخته بودند، پس نظامیان بایستی انتقام آنان را در مردم منطقه می‌گرفتند! هر کسی را به کوچک‌ترین دستاویزی مورد خشم و کینه قرار دادند و انتقام سختی از مردم آذربایجان کشیدند. البته ناگفته‌نماند که هیچ روشنفکر و میهن دوستی نبود که از جداسری فرقه دموکرات آذربایجان خشنود باشد یا از آن دفاع کند . ناگفته باید است که برای ایرانیان در هر کجای ایران و جهان ، خبر پیوستن دوباره آذربایجان به ایران‌شادی‌بخش و نویددهنده‌بود . حتی کار به جایی رسید که حزب توده نیز از رفتار فرقه دموکرات آذربایجان و جدا شدن آن از ایران ، اعلام برائت کرد و بعدها در کنگره‌های خود ، به خاطر پشتیبانی اولیه خود از تشکیل فرقه دموکرات ، خود را مورد انتقاد قرار داد! برخی از فرقه‌ای‌ها همچون دکتر سلام‌الله جابودی و شبستری دستگیر شدند . برخی از اعضای فرقه و همکاران آنان نیز به جوخه‌های آتش سپرده شدند و برخی دیگر نیز راهی زندان‌های طولانی‌مدت شدند . و سرانجام اینکه ارتش در سراسر آذربایجان مستقر شد و سبیل تلگراف‌های شادباش بیان شاه و درباره و دولت و ارتش مبادله شد . اکنون قوام‌السلطنه به غول سیاسی ایران تبدیل شده بود و با راه‌اندازی حزب دموکرات بر سر آن بود که دیکتاتوری نوینی را به سود خود پایه‌ریزی کند . دکتر مصدق طی سخنان شورانگیزی که در مسجدشاه تهران به مناسبت برگزاری انتخابات دوره پانزدهم بر زبان راند ، به قوام‌السلطنه هشدار داد تا از دخالت در انتخابات پرهیز کند . وی سپس همراه با گروهی از سرشناسان سیاسی در اعتراض به دخالت دولت در انتخابات ، در دربار متحصن شد که چون نتیجه‌ای در پی نداشت چند روز بعد به تحصن پایان داد . پیشروی ارتش به کردستان نیز رسید و پس از دستگیری قاضی محمد و همفکرانش ، گروهی از آنان نیز به جوخه‌های اعدام سپرده شدند . قاضی محمد ، صدر قاضی و سیف قاضی در دادگاه جنگی محاکمه و اعدام شدند و بدین ترتیب دولت مرکزی بر کردستان به تسلط یافت . در ماه‌های پایانی این سال ، سرانجام انتخابات دوره پانزدهم مجلس نیز برگزار شد و دکتر مصدق و آیت‌الله کاشانی براناستند به نمایندگی از مردم تهران وارد مجلس شوند . و این در حالی بود که آیت‌الله کاشانی دوره تبعید خود در قزوین را سپری می‌کرد.

است، اما این پرسش توسط ایرانیان آگاه مطرح می‌شود که چرا نیابستی این سرزمین کهنسال با آن پیشینه فرهنگی، به قول ناصرالملک دوپست نفر آدم به دردیخور نداشته باشد؟! آیا ناصرالملک فرومایه‌ای است، ستون‌های نظامی دولت مرکزی درگذاشت . در آرزوهای این سال ، ستون‌های نظامی دولت مرکزی به سوی آذربایجان راه افاندند و شهر به شهر پیش رفتند . پس از تصرف زنجان ، شهر میانه را نیز از سلطه فرقه دموکرات بیرون کشیدند . ژنرال خودخوانده ، غلام‌پحی داندیشان و اعضای فرقه دموکرات ضمن عقب‌نشینی و جنگ و گریز ، پس از خالی کردن بانک‌ها و غارت ادارات دولتی ، به سوی تبریز عقب‌نشینی کردند . با پیشروی ستون‌های نظامی به سوی تبریز ، پیشه‌وری و غلام‌پحی و سران فرقه دموکرات ، از مرز ایران بیرون رفتند و وارد

دموکرات آذربایجان و حزب کومله کردستان ، وزیران توده‌ای را وارد کابینه می‌کردند و از آن سو انگلستان با طراحی شورش در فارس ، خواهان برکناری توده‌ای‌ها از دولت می‌شد و در این میان خون سیخ فرزندان ایران بود که از هر سو بر خاک شوره‌زار این سرزمین ریخته می‌شد و هیچ سودی هم در پی نداشت! در این همه آشوب و خون‌ریزی و کشمکش سیاسی که در سراسر ایران پدید آمده بود، کدام شکم گرسنه‌ای سیر شد؟ کدام کودک پرهنه بلوچستانی ، کرد، ترک ، لر ، فارس ، شمالی یا جنوبی ، لباسی بر تن پوشید؟ کدام کارگر و کشاورز و دهقان دیگر شرمند خانواده تهیدست خود نبود؟ در میانه این سال دادگاه نوزیرگ نیز پس از ۱۱ ماه و تشکیل ۴۰۲ جلسه دادگاه سرانجام رای خود را صادر کرد . دوازده نفری از سران نازی به اعدام محکوم شدند ، سه نفر حبس ابد و بقیه بین ۱۰ تا ۲۰ سال زندان گرفتند . همچنین در این سال انجمن روزنامه‌نگاران کشور و نیز نخستین کنگره نویسندگان ایران برگزار شد . هیات‌رئیسه کنگره نویسندگان عبارت بودند از : مستشارالدوله صادق ، ملک‌الشعراى بهار ، علی اصغر حکمت ، دکترسیدعلی شایگان ، علی اکبر دهخدا، بانو مه‌کامه کاظمی ، بدیع‌الزمان فروزانفر ، کریم کشاورز ، میلانی و صادق هدایت . این کنگوه هفت جلسه تشکیل داد و در پایان قطعنامه‌ای منتشر کرد . در آبان ماه این سال ، آیت‌الله حاج‌سیدابوالحسن اصفهانی پیشوای بزرگ شیعیان در شهر کازمین درگذشت . به همین مناسبت عزای عمومی اعلام شد و بازار تهران و شهرستان‌ها ، سه روز تعطیل شد و نیز در همین ماه ، آیت‌الله شیخ مرتضی آشتیانی –فرزند آیت‌الله میرزاحسن آشتیانی – که در واقعه تحریم استعمال تنباکو در کنار پلر بزرگوار خود مبارزه کرده ، در جنبش مشروطیت نیز از خودگذشتگی‌ها نشان داده بود، در سن ۸۵سالگی درگذشت . در آرزوهای این سال ، ستون‌های نظامی دولت مرکزی به سوی آذربایجان راه افاندند و شهر به شهر پیش رفتند . پس از تصرف زنجان ، شهر میانه را نیز از سلطه فرقه دموکرات بیرون کشیدند . ژنرال خودخوانده ، غلام‌پحی داندیشان و اعضای فرقه دموکرات ضمن عقب‌نشینی و جنگ و گریز ، پس از خالی کردن بانک‌ها و غارت ادارات دولتی ، به سوی تبریز عقب‌نشینی کردند . با پیشروی ستون‌های نظامی به سوی تبریز ، پیشه‌وری و غلام‌پحی و سران فرقه دموکرات ، از مرز ایران بیرون رفتند و وارد

آدم لازم داریم

نمی‌آورد؟ وی در ادامه جان کلام را به قلم می‌آورد : «امروز تقاضای مجلس معبوثان و اصرار در ایجاد قانون مساوات و دم زدن از حریت و عدالت‌کامله (آن طوری که در تمام ملل متدنه سعادتمند وجود دارد) در ایران، همان حکایت تازه‌یازدَن و ران شتر نبائند است . و این بدان معنا است که آزادی و عدالت، برای ایرانیان بیدار ، سمنی مهلک است!

۳۰ خرداد

ناصرالملک در ادامه نامه خود به آیت‌الله طباطبایی می‌نویسد: «فرض بفرمایید امروز بندگان اعلیحضرت شاهنشاهی به میل خاطر و کمال رضایت به این مملکت دست‌خط آزادی کامل داده‌اند، و بدین مایلجلی به بدشان نرسیده، رقم حرکت و قدرت و کتلم ندارد، تازیانہ برداشته کنشش می‌زند که بدود و از خندق جست‌وخیز نماید و این بدبختی که به واسطه مرض و نخوردن غذا غمه زده‌هایش خشکیده و امعاء و احشایش از کار افتاده، یک ران شتر نیم‌پخته به هدانش فرو می‌کنید که ببیابد. . .» ناصرالملک سخن درستی می‌گوید اما چرا پاشی فراروی این پرسش نمی‌نهد که چرا و چگونه این سرزمین کهنسال با منابع فراوان و گسترده‌گی خاک به این روز نشست؟ چرا از وام‌های درافتی برای مخارج سفر شاهان قاجاری به فرنگستان هیچ سخنی به میان

نخستین روزنامه نگار مشروطه خواه گیلان

مجید وثوقی امشلی



فرستاد که این روزنامه آن را در شماره ۴ سال اول مورخ ۱۷ شوال ۱۳۲۵ قمری درج کرده‌است. ده ماه مذکور افصح واعظ وکیل روزنامه‌جات و مدیر روزنامه ساحل نجات و خیرالکلام گیلان معرفی شد .

روزنامه خیرالکلام در ۴ صفحه به قطع و زیری با چاپ سریی طبع می گردید. قیمت اشتراک ۲۵قمان و قیمت کت نمره رشت ۲ شاهی بود. مندرجات روزنامه پس از درج مقاله اساسی عبارت است از اخبار شهری و مقالات مختلف منضمن دادخواهی، مکتوبات از نواحی مختلف گیلان و گاهی اشعار و اعلانات نیز در روزنامه درج است. افصح در نخستین شماره خیرالکلام مردم را به گرمی داشتن روز ۱۴ج ۱۳۲۵ که دستخط آزادی به ملت اعطا گردید دعوت کرد . درباره اینکه به ما آزادی داده‌اند نوشت: «اراستی ما چه وقت بنده شدیم چه شد که آزاد گردیدیم؟ از همان

سال سوم ■ شماره ۸۰۰ شق

نگاه

از کجا آغاز کنیم

سروش ملت پرست*

کشورها چون از تجمع ما پدید آمده‌اند، همان هستند که ما هستیم. قوانین و احکامشان بر مبنای طایع ما و اعمالشان کردار رشت و زیبایی ما است در مقیاسی بس بزرگتر. (ویل دورانت، درآمدی بر تاریخ تمدن)

تاریخ نشان می دهد که فرآیند نوسازی و توسعه در ایران توسط همین مردمی که آن را مطرح کردند به انحطاط کشیده شد. قائم مقام فراهانی، امیرکبیر و دکتر مصدق سه نمونه بارز از نقش آفرینانی هستند که توسط مردم حذف شدند.

نهضت مشروطه و قانون‌خواهی نیز چون ریشه در

اندیشه و وجدان جمعی نداشت یا به عبارتی منبعث از فرهنگ سیاسی غالب نبود پس از چندی به سهولت درهم شکسته شد. اما این حرکت در روند پیشرفت جامعه ایران بی تاثیر نبود.

موارد تاثیر پذیری جریان روشنفکری نسل سوم از مشروطه عبارتند از:

- طرح شدن و اهمیت پیدا کردن حقوق مردم
- حضور و تاثیرگذاری مردم شهرنشین در تحولات
- نقد قدرت حاکمیت ستی
- شکل گیری مطبوعات بانفوذ
- اما شاخصه‌ای که بیشترین تاثیرات را در سامان مندی ها، ناپسانمائی های سیاسی- اجتماعی . . . جامعه ایران می نهد عبارت است از روحیات- رفتارهای اجتماعی که در جریان روابط و مناسبات اجتماعی و در قالب های گوناگون تکثیر شده و با کارکردهای مثبت- منفی موجودیت جامعه را متاثر از خویش می سازد.

پیدایش جامعه انسانی فردگرا و قانون پذیر که ضامن پایداری ویژگی ها و رفتارهای مثبت اجتماعی است در توسعه سیاسی- اجتماعی اهمیت فراوان دارد.

نتیجه این عقیده نادرس‌ت که دولت و حکومت قضایی است تسخیرناپذیری و رای تمامی ظرفیت های جامعه همین می‌شود که مردم ضمن در پیش گرفتن روحیه انتقاد و تسلیم شرایط نامطلوب را استمرار بخشیده و نقش خود را در تحرک بخشیدن به جامعه در جهت تحولات مثبت اجتماعی- سیاسی به هیچ می انگازند. اما آن عواملی که در رفتارها و مناسبات اجتماعی ما رخنه کرده و موجب عقب ماندگی ما شده است، عبارتند از:

ناوانی در ایجاد تعادل میان سنت و نوگرایی، توسل به نیروهای غیراجتماعی و فراطبیعی، عدم پذیرش مخالف، سایه وسفید دیدن افراد و اندیشه‌ها، فردگرایی و سلبه پذیری، تسلیم و تقلید، تفکر قضا و قدری، بی اعتمادی، سوءظن، دشمن انگاری و فقر آموزش.
اعتقاد عمومی به نظریه توطئه، تضادهای عینی فکری و اجتماعی شامل محافظه کاری از یک سو و بیگانه گرایی و وانهادگی از سوی دیگر، عدم آمادگی افراد جامعه از نظر روانی برای گفت‌وگو بر مبنای استدلال صحیح، عدم وجود عزم جمعی برای آموختن تفکر انتقادی، مطلق انگاری به جای نسبی گرایی، عدم اشتراک منافع فردی با منافع جمعی و رشد فرد با رشد جامعه، ارزیابی مثبت از رای اکثریت (دموکراسی) تنها تا زمانی که با منافع شخصی تصادم نکند.

از سویی مخالفت با دولت و از سوی دیگر همکاری با دولت تا زمانی که منافع شخصی ایجاب کند (عدم تطابق گفتار و رفتار)، عدم اعتقاد به توانایی انسان در دست گرفتن سرنوشت خویش، سنجدیدن حق با خود به جای سنجدیدن خود با حق، وجود روحیه خاص افراد که نظرات و دیدگاه های سایرین را بدون بررسی و تحلیل می‌پذیرند، عدم وجود قضایی نقد سالم و بحث و خلافت، سیستم غلط ارزش یابی افراد در سازمان ها و عدم توجه کافی به کار کارشناسی، رواج فرهنگ تملق و چاپلوسی، ارتشاء، اختلاس و. . .

با این وصف بنا به آیه قرآن که می فرماید:
ان الله لا یغفر لبقوم حتی یغفرو اما یغفهم
خداوند سرنوشت میجو حق را تغییر نمی دهد مگر آنکه مردم خود را دگرگون کنند. تا ما این رفتارهای ناپسند خود را تغییر ندهیم نمی توانیم شاهد تحولات چشمگیر در عرصه کلان جامعه باشیم.

* از بندر انزلی

منق

هر کس به فکر خویشه ...!

خودخواهی، خودمحوری و منفعت طلبی از مهم ترین آسیب های حرکت های جمعی مبارزات آزادیخواهی است. جنبش مشروطیت نیز از این آفت مصون نماند. اشرف الدین گیلانی شاعر طنزپرداز این خصلت ناپسند و در عین حال فرایگر را در قطعه زیر چه زیجا هجو کرده است:

در روزگاری که مشغول کار خویشست
بلبل به نغمه خوانی، عقرب به فکر نیشست
ریشو به فکر بفری ریش، کوسه به فکر ریشست
هر کس به فکر خویشه، تو هم به فکر خود باش!
جمعی به اسم «شیخی»، جمعی به اسم «بابی»
یک جوقه عقداثالی، یک دسته انقلابی
یک طاق شط و روز در فکر بی حسابی
هر کس به فکر خویشه، تو هم به فکر خود باش!
بعضی به اسم اسلام بدعت پدید کردند
از بهر مال دنیا رو بر بیزید کردند
اولاد مصطفی را ناحق شهید کردند
هر کس به فکر خویشه، تو هم به فکر خود باش!
بعضی به اسم اسلام گشتند خان و سرنیت
القاب ها گرفتند بی علم و عقل و ترتیب
ناباشتند از پول صندوق و کیسه و جیب
هر کس به فکر خویشه، تو هم به فکر خود باش!
بعضی به اسم ملت اموال خلق برند
در بزد پول ها را در شاکا بد سپردند
نقل و شراب بامداد در روی میز خوردند
هر کس به فکر خویشه، تو هم به فکر خود باش!